

## خدایی را که می‌توان در این تاریخ با او انس گرفت گم نکنید

شماره پرسش: ۱۹۱۸۶

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۶/۲/۲ ۰۳:۳۶:۱۸

### متن پرسش

به نام خدا استاد عزیزم سلام: متن های رنج دوران دوستان را خواندم، بعضا حرف دل خیلی از ماست، کاش این قلم مادی می‌توانست حال مرا آنگونه که می‌شود برایتان بنویسد، کاش من هم می‌توانستم رنجم را بگویم. از خانه خسته بودم، صبح شنبه ای آمده ام امام زاده نزدیک منزل مان اینجا برایتان بنویسم، تنهای تنها، هیچ کس اینجا نیست، جز من و گنجشک ها و امام زاده. استاد دل مرده شده ام، دل خسته، دل زده، از دنیا، گرفتار تنهایی ام، بانوی مذهبی و به اصطلاح دین دار، اما دین داری ام حال دلم را خوب نکرد، اینها هستند با من، منتها هر از گاهی در کشاکش زمان گم می‌شوند. اما می‌آیند باز و جواب می‌خواهند از من. دل طلب ها کرد، طلب های زیادی، هیچ کس و هیچ چیز اما پاسخگوی این طلب ها نبود، سعی ام را کردم، مراقبت کردم، توجه کردم که قلب را زنده نگه دارم ولی نمی‌شود. از خودش خواسته ام، صبر و استقامت کرده ام، چرا دری گشوده نمی‌شود بر حال ما؟ استاد نمی‌دانم چیست در درونم که اینقدر مرا می‌آزارد؟ این چیست که جان ما می‌خواهد و نمی‌یابد؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به قول غزالی:

ما جامه نمازی به سر خم کردیم      بر خاک خرابات تیمم کردیم

شاید به در میکده ها دریابیم      آن عمر که در مدرسه‌ها گم کردیم

به نظر بنده این انقلاب موجب می‌شود تا قصه‌ی ما آن گردد که بگوییم:

ای بخت سعید من، ای وعد و وعید من      ای روی تو عید من از مات سلام الله

هم اسعد و مسعودی، هم مقصد و مقصودی      هم احمد و محمودی از مات سلام الله

هم جان جهانی تو، هم گنج نهانی تو      هم آمن و امانی تو، از مات سلام الله

چون یافتمت جانا، بشناختمت جانا      جان باختمت جانا از مات سلام الله

امروز مراقبه‌ای که ما را به خدا می‌رساند، نزدیکی به روحی است که با انقلاب اسلامی در این تاریخ

ظهور کرده. آری! خدا را باید در مظاهر دید و مظهر ظهور خدا امروز در آن چیزی است که آینه‌ی انقلاب اسلامی به نمایش گذاشته است. حتماً شنیده‌اید که سالکانِ دل‌داده، نیمه‌شبان اشک‌ها می‌ریزند زیرا به نحوی با خدای محبوب خود روبه‌رو می‌شوند و در این تاریخ آن نیمه‌شب‌ها در نیمه‌های روز و در جمال تاریخی ظهور می‌کند که شهدا و امام شهدا و نایب امام به صحنه آورده‌اند. مراقب باشید تاریخی که در آن انقلاب ظهور کرده است را گم نکنید وگرنه خدایی را گم کرده‌اید که می‌توان با او انس گرفت. تجربه‌ی حقیقت در بستر نظر به سیره‌ی انسان‌هایی ممکن است که عارف به زمانه‌ی خود باشند به همان معنایی که گفت:

در خدا گم شو وصال این است و بس      گمشدن گم کن کمال این است و بس

اگر بناست با قصه‌ی «تعرف الأشياء باضدادها» به موضوعات نگاه کنیم، آیا دشمنی خبیث‌ترین و بی‌خداترین انسان‌های عالم با انقلاب اسلامی حجت بالغه‌ای نیست که شیاطین عالم با تمام وجود متوجه‌ی گوهر انقلاب اسلامی شده‌اند و به کفر نسبت به آن کمر بسته‌اند؟! و ما باید انقلاب اسلامی را همان‌طور که شیطان می‌بیند، ببینیم ولی به جای کفر بدان، ایمان به آن را پیشه کنیم. موفق باشید